

## جایگاه مذهب تشیع در آثار شیخ آذری

ابوالقاسم برادران

کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی

### مقدمه

ترقی و تعالی یک ملت میسر نمی‌گردد مگر آنکه آن ملت از پیشینه فرهنگ و تمدن خود آگاه باشد. اندیشمندان و متفکران خود را بشناسد، آثار به یادگار مانده از آنان را به دور از هر گونه غلو و تقصیری با دیدی علمی در عین حال انتقادی بررسی نماید و از این خود آگاهی و شناخت پلی به سوی آینده‌ای شکوفاتر بسازد.

از جمله موضوعاتی که می‌تواند در غنای فرهنگی ما تأثیرگذار باشد و در مواجهه فرهنگی با تهاجم فرهنگی بیگانگان ما را یاری رساند، شناساندن بزرگان و اندیشمندان متقدم به نسل جوان و دانشگاهی می‌باشد.

نگارنده در این مقاله به دنبال بررسی نگرش دینی و مذهبی شیخ آذری است و دین و مذهب بر کل اندیشه این متفکر تأثیرگذار بوده است و در جای جای افکارش نگاه دینی و مذهبی به چشم می‌خورد.

برای رسیدن به این مقصود، ابتدا منابعی درخصوص تاریخ تشیع و فرهنگ فرق اسلامی را تهیه و مورد بررسی قرار دادم، در مرحله بعدی به بررسی برخی از کارهای پژوهشی انجام شده درخصوص شیخ آذری پرداختم، که پس از بررسی دیوان اشعار آذری، اشعاری را در مدح و منقبت اهل بیت(ع) یافتم که در ادامه به بیان آنها خواهم پرداخت.

این مقاله در پنج بخش تنظیم شده است. بخش اول سیری در شخصیت عرفانی و مذهبی شیخ آذری می‌باشد. در بخش دوم در خصوص شیعه بحث شده است. بخش سوم این مقاله پیرامون اعتقادات خاص شیعه امامیه می‌باشد. بخش چهارم سیمای اهل بیت(ع) در دیوان آذری است و بخش پنجم نتیجه‌گیری و پیشنهاد می‌باشد.

### بخش اول :

#### سیری در شخصیت عرفانی و مذهبی شیخ آذری

شیخ حمزه بن علی ملک اسفراینی متخلص به آذری عارفی بلند همت و متکلمی چیره دست و از مشاهیر شعرای قرن نهم هجری است. سلسله نسب شیخ از سوی مادر به صاحب الدعوه احمد بن محمد الزمجدی الهاشمی مروزی می رسد. شیخ در نسبت خود به سادات علوی چنین سروده است:

نسبت به خاندان علی و به آل او - - - - - زان کرده ام درست که پاک است مادرم

(هفت اقلیم، ص ۳۰).

پدر آذری در دوران سربداران در اسفراین صاحب مقام و منصب بود. یکی از قیام های شیعه در ایران، قیام سربداران یعنی از جان گذشتگان در خراسان بود. از لحاظ تاریخی، نهضت سربداران خراسان از دیگر نهضت ها مهمتر بوده است. شیخ خلیفه مازندانی که مؤسس سلسله ویژه ای از دراویش بود، در سبزوار ناحیه بیهق در حجره مسجد جامع شهر مسکن گزید و به تبلیغ عقاید شیعی خود پرداخت و سرانجام به فتوای فقیهان سنی مذهب، مرتد شمرده شد و در سال ۷۳۶ به قتل رسید. در میان شاگردان شیخ خلیفه، مردی بنام حسن جوری از همگنان پیشی گرفت. وی مدرسه‌ای تأسیس کرد و به تبلیغ و تدریس عقاید شیعی امامیه پرداخت. این فرقه به نام حسن جوری «حسنیه» نامیده شدند.

حسن جوری مدت سه سال در نیشابور و بلاد خراسان از قبیل مشهد، ابیورد و خبوشان و هرات به تبلیغ پرداخت، در سال ۷۳۷ هـ ق شهرهای اسفراین و جوین را به زیر فرمان خود در آورد (مشکور، ۱۳۷۵، ص ۲۸۲).

بنابراین با توجه به اینکه در حکومت سربداران، شیعیان جایگاه والایی داشتند و کسی با داشتن مذهب دیگری به سختی می توانست در این حکومت نفوذ نماید، لذا به احتمال قوی پدر شیخ آذری نیز شیعه بوده است؛ علاوه بر این با توجه به اینکه حدود چهل و چهار سال قبل از تولد شیخ آذری در اسفراین، شیخ حسن جوری، بر اسفراین حاکم شد و تفکرات شیعی را در این شهر ترویج نموده است، از این جهت شیخ آذری در این فضای مذهبی بزرگ شده است. سختی ها و ناپایداری های روزگار، به خصوص بعد از حمله مغول، گرایش به معنویات و ترک علایق دنیوی، ویژگی عمومی عصر آذری شده بود. در این رهگذر او نیز بی تأثر نبود. در میانسال‌ی بود

که گام در جاده فقر و فنا نهاد، ابتدا به حلقه شاگردان شیخ محی الدین توسی غزالی از اکابر مشایخ قرن هشتم و نهم هجری پیوست و مدت پنج سال در درس تفسیر و علم حدیث او شرکت نمود و با ارشاد او به مقامات عالی رسید. سپس به همراه شیخ محی الدین عازم سفر حج گردید، بعد از وفات شیخ محی الدین (۸۳۰ هـ ق) در حلب به سلک شاگردان و مریدان شاه نعمت الله ولی در آمد. شیخ آذری در مدت اقامت در شهر حلب، کتاب مفتاح الاسرار خویش را تألیف کرد. شیخ در محضر شاه نعمت الله ولی، ریاضت ها کشید و در طریقت تا آنجا پیش رفت که از دست وی، اجازه و خرقه تبرک گرفت. شیخ به همراه شاه نعمت الله ولی برای دومین بار به سفر حج رفت و معروف است که در مدت اقامت و در مجاورت خانه خدا، کتاب سعی الصفا را تألیف کرد (یوسف نژاد، ۱۳۸۹، ص ۸).

آذری بعد از طی مراحل سلوک و پس از دومین زیارت کعبه و اقامت در مکه، به هندوستان رفت. این سفر باید در سالهای ۸۳۲ تا ۸۳۴ هـ ق بوده است. شیخ در هند به حضور احمدشاه بهمنی از سلاطین بهمنی دکنی رسید؛ وی از سلاطین دکنی است که از دوستداران مشایخ و شیفته آشفتهگان راه حق بود، سلطنت او بین سالهای ۸۲۵ تا ۸۳۸ هـ ق اتفاق افتاده است. حضور شیخ در دربار پادشاهان دکنی ۴ تا ۶ سال طول کشید. عشق و علاقه آذری به سرزمین مادری باعث شد ظاهراً در سال ۸۳۶ هـ ق با دیوانی از قصاید و غزل و کوله باری از ادب و دانش و معرفت از دیار هندوستان رو به زادگاه خویش، اسفراین آورد (همان، ص ۹).

به قول آذری :

قدر دیار خویشان و لطف یار خویش از ما شنو که محنت غربت کشیده‌ایم.

آذری پس از بازگشت از هند به دنیای دیگری روی نهاده «پای قناعت و زهد به کشیده و مدت سی سال یعنی از سال ۸۳۸ هـ ق تا پایان عمرش راه زهد برکشید، و از سیاحت عالم ملک بتماشای عالم ملکوت سر بجیب نظر فرو برد و سی سال بر سجاده‌ی طاعت نشست که به در خانه هیچکس از ارباب دولت التجا نبود، بلکه بتبرک، اصحاب دین و دولت و ارباب ملک وصلت، طالب صحبت او بودند و همواره بخدمت شریفش التجا آوردند» (دولت‌شاه سمرقندی، ۱۳۶۶، ص ۳۰۲). چنانچه به سال ۸۵۵ هـ ق سلطان محمد بایسنقر میرزای تیموری برای زیارت شیخ آذری به اسفراین آمد و در بیان نصیحت و ارشاد، سلطان محمد بایسنقر میرزا را به عدل و انصاف نصیحت کرد، وی که به شیخ احترام می گذاشت، مقداری زر را پیش او نهاد. بنا بر نوشته دولت‌شاه، شیخ این مال را قبول نکرد و این مطلع را بلافاصله سرود:

زر که ستانی و برافشانی اش هم به از آن نیست که نستانی اش

در همان محفل یکی از علما به نام مولانا مجاهد هندی حضور داشت، مقداری از آن پول را برداشت (همان، ص ۳۰۴).

شیخ آذری را باید عارفی بلند همت و کم توجه به دنیا دانست و همواره و بخصوص سالهای پایانی عمر خود را به مجاهدت نفس گذراند و بعضی آثار گرانبها نیز تألیف کرد و سرانجام به سال ۸۶۶ هـ. ق در هشتاد سالگی روزگارش به سر آمد و در مدرسه شارستان اسفراین مدفون شد.

شیخ آذری برای آرامگاه خود، املاکی را در نظر گرفته و وقف کرده بود. تا مدت ها مدرسه و محل او بر روی صالحان، زاهدان و طلبه های علوم دینی گشوده بود و از موقوفات او بهره مند می شدند.

در جلوی مقبره باغی بوده که هنوز سه چهار درخت از آن باقی و معلوم می شود؛ باغ عمومی و تفریحگاه بوده، دلیل آن هم طریقه‌ی معهودیست که در بین عموم اسفراینی ها به همان نظیر اعتقاد مرسوم اسلاف، شب های چهارشنبه ایام تابستان از تمام قراء زیارت شیخ آمده و برای انجام حصول مقاصد خود، به آن خاک پاک متوسل می گردیدند (آقاملایی، ۱۳۸۹، ص ۲۸۸).

شیخ آذری دارای آثار منظوم منثور به شرح ذیل می باشد.

۱- بهمن نامه: این مثنوی را شیخ به درخواست سلطان احمد شاه بهمنی، در احوال و آثار این سلسله سروده است.

۲- جواهر الاسرار: کتابی است در چهار باب الف) اسرار کلام الله؛ ب) اسرار احادیث نبوی؛ ج) اسرار کلام اولیاء؛ د) اسرار کلام شعرا.

۳- مرآت: مثنوی مرآت مشتمل بر چهار بخش است و هر کتاب نام خاصی دارد.

۱- الطامه الكبرى ۲- عجایب الدنيا ۳- عجایب الاعلی ۴- سعی الصفا

۴- طغرای همایون

۵- دیوان اشعار: این دیوان نزدیک به ۵۰۰۰ بیت داشته و شامل حدود ۳۲ قصیده، ۵۰۰ غزل، تعدادی ترجیع بند، ترکیب بند، قطعه، رباعی و تک بیتی است.

قصاید آذری بیشتر در مدح و منقبت رسول اکرم (ص) و ائمه اثناعشر است. ترکیب بند آذری در رثای امام حسین (ع) اعجاب شیفتگان حضرتش را برانگیخته است؛ غزلیات شیخ آذری رنگ عرفانی دارد. شیفتگی و دلدادگی شیخ آذری به اهل بیت (ع) بویژه اظهار ارادت خالصانه نسبت به

امیرالمؤمنین علی(ع) و سایر ائمه (ع) بخصوص اعتقاد حضرتش به مفهوم انتظار، دلیلی بوده که مورد کم لطفی برخی از شعرا قرار گیرد. قاضی نورالله شوشتری در شرح احوال شیخ آذری می‌نگارد، علت اینکه عبدالرحمن جامی، نام شیخ آذری را در نفعات الانس نیاورده در بهارستان با این جمله زنده او را معرفی کرده است که: «از شعرای خراسان، آذری اسفراینی است و در اشعار او طامات بسیار است.» محبت و ارادت آذری به خانواده نبوی است (به نقل از مجله وحید، شماره ۷، ص ۴۱-۴۴).

### بخش دوم:

#### واژه شیعه

شیعه در لغت به معنی پیروان و یاران و تابعان شخص معینی است و چون شیعیان به ولایت حضرت علی بن ابیطالب و به پیروی از مکتب روحانی آن حضرت اعتقاد داشتند از این جهت ایشان را شیعه علی(ع) یعنی پیروان علی گفته اند که بعدها در کثرت استعمال مضاف الیه علی(ع) را حذف کردند و معروف به شیعه شدند.

شیعه جعفری: تا زمان حضرت امام محمد باقر(ع) و فرزند ارجمند او امام جعفر صادق(ع) شیعیان بیشتر جنبه سیاسی داشتند و پیروان حضرت علی(ع) و فرزندانش را شیعیان علی(ع) می گفتند ولی از زمان این امامین همامین، شیعه جنبه مذهبی پیدا کرد و در مقابل سنت و جماعت قرار گرفت (مشکور، ۱۳۷۵، ص ۲۷۰).

فقه جعفری منسوب به ششمین امام شیعه حضرت امام جعفر صادق(ع) است و بیشتر احادیث فقهی شیعه از آن حضرت روایت شده و بدین جهت، فقه شیعه را فقه جعفری گفته اند و مذهب شیعه را مذهب جعفری نام نهادند (همان، ص ۲۷۹).

غیر از فرق بسیار کم اهمیتی که در شیعه وجود دارد، چهار فرقه از میان آن فرق مهمترند و عبارتند از: زیدیه، امامیه، اسماعیلیه، غلاه.

مذهب شیعه امامیه از روزگار شاه اسماعیل صفوی(۹۰۷ هـ ق) در ایران تعمیم یافت و از آن زمان مذهب رسمی کشور ایران گردید. تا آغاز قرن نهم هجری بیشتر مردم ایران سنی مذهب بودند و به جز چهار شهر سبزوار، کاشان، قم و آوه (آوج) همگی سنی بودند (مشکور، ۱۳۷۵، ص ۲۸۱).

مهمترین اختلاف شیعه با اهل سنت و جماعت، اختلاف درباره جانشینی رسول خدا(ص) است که شیعیان امامی آن را به نصّ جلی و اهل سنن به اختیار ملت می‌دانند. بجز این مسئله اساسی، اختلاف شیعه با اهل تسنن در اجتهاد و ادبّه و اصول و فروع عبادات و معاملات و نکاح است و مبانی تشریح در مذهب جعفری، کتاب الله، سنت، اجماع و عقل است.

امامیه بطور عموم نام کلی فرقه‌هایی است که علی بن ابیطالب را جانشین منصوب و بلافضل پیغمبر می‌دانند و می‌گویند گیتی از امام تهی نتواند بود و بخصوص این نام بر طایفه شیعه اثنی عشری یعنی دوازده امامیان اطلاق می‌شود (مشکور، ۱۳۶۸، ص ۱۰۶).

بخش سوم:

#### اعتقادات خاص شیعه امامیه

اعتقادات ویژه شیعه امامیه که آنان را از اهل سنت و جماعت ممتاز می‌سازد، اساسش به اعتقاد به خلافت علی بن ابیطالب و امامت او و سایر ائمه و مهدویت است به قرار زیر می‌باشد.

امامت و ولایت: امامت، ریاست عامه شخصی است که توسط پیغمبر(ص) به نصّ جلی تعیین شده باشد و آن شخص در نزد شیعه، علی بن ابیطالب است که به زهد و علم و عبادت و شجاعت و ایمان سرآمد روزگار خود بود. این ودیعه الهی از علی(ع) به یازده فرزند او که یکی پس از دیگری جانشین او شدند، رسیده است.

عصمت: لطفی است که خداوند به بنده خود می‌کند تا او را از ارتکاب گناهان نگاه دارد. امامیه معتقدند که انبیاء و ائمه هدی از معصیت و ارتکاب گناه مصونند و پیش از نبوت و بعد از آن نه به عمد و نه به سهو و نسیان مرتکب معصیت نشده‌اند.

تقیّه: تقیه یعنی کتمان عقیده و تظاهر به کاری که بر خلاف میل باطنی شخصی باشد. شرط تقیه در شیعه، عدم اطمینان بر جان و مال خود است تا خویشان را بدان وسیله از گزند دشمنان نگاه دارد.

بداء: عبارت از این اعتقاد که خداوند عالم مشیتش را بر حسب مصالحی تغییر می‌دهد. بداء به معنی پشیمانی خداوند از امری در شیعه جایز نیست، بلکه به اعتقاد شیعه، چون خداوند قادر مطلق است و به نصّ آیه: «یحموا الله ما یشاء و یثبت و عنده ام الکتاب» (رعد/۳۹) خداوند آنچه را که بخواهد محو و یا اثبات می‌کند و اصل کتاب نزد اوست، بنابر مصالح کونیه هرگاه خداوند

بخواهد امری را می‌تواند باطل سازد و به جای آن امر دیگری را برقرار فرماید؛ بدء در این صورت به معنی نسخ است.

متعّه: مُتَعَه به ضَمّ میم به معنی تمتع و برخورداری و آن نکاح منقطع است که در اصطلاح عوام شیعه آن را صیغه گویند. شیعه معتقد است که متعه در زمان رسول خدا جایز بوده و پس از او تا دوره خلیفه دوم، رواج داشته و عمر آن را منع کرده است.

رَجَعَت: رجعت به فتح راء اعتقاد شیعه است به بازگشتن بعضی از مردگان مظلوم پیش از قیامت و انتقام گرفتن آنان از ظالمین خود. بدین معنی است که ایشان دیگر باره به دنیا باز می‌گردد و زندگی را از سر می‌گیرند و این امر پس از ظهور حضرت مهدی آل محمد(ص) واقع خواهد شد.

باید دانست که مسئله رجعت نه از ضروریات دین اسلام و نه از اصول و ضروریات مذهب شیعه می‌باشد، بلکه اعتقادی است که در میان مردم محروم شیعه به امید روزگار بهتری بوجود آمده است؛ پیش از آن هم در میان یهود، زرتشتیان و نصاری این عقیده وجود داشته است (مشکور، ۱۳۶۸، ص ۱۱۱).

از جمله اختلافات شیعه با اهل تسنن در خصوص حضرت مهدی عجل الله می باشد. جمهور اهل سنت و جماعت مهدی را در کسی تعیین نکنند بلکه مهدی را نوعی و مجدد دین اسلام و مصلح عالم در آخرالزمان می دانند. برخلاف این نظر، شیعه امامیه، مهدویت را شخصی می دانند نه نوعی و برآنست که رشته هدایت به وراثت از رسول خدا(ص) بر جانشین راستین او علی بن ابیطالب کشانیده شده و از وی به فرزندان او تا قائم آل محمد(ص) رسیده است (همان، ص ۱۲۹).

البته در میان فرق شیعه درباره حضرت مهدی(عج) و نسب او اختلاف است. بعضی گویند که او از فرزندان عباسی است، برخی گویند علوی و غیر فاطمی و گروهی او را حسنی و عده ای حسینی خوانده‌اند (همان، ص ۱۲۸).

**بخش چهارم:**

**سیمای اهل بیت(ع) در دیوان شیخ آذری**

با دقت در دیوان شیخ آذری می‌توان به روشنی نگرش دینی و مذهبی او را پی برد. آذری در نخستین قصیده‌اش ابتدا به حمد و ستایش خداوند سبحان می‌پردازد.

آغاز سخن به کند مردم دانا  
 بر نام خداوند تبارک و تعالی  
 سر دفتر دیوان کتب خانه دانش  
 حمد است و ستایش، صفت حضرت اعلا  
 آذری در قصیده نخستین خود پس از حمد و ستایش خداوند به اظهار ارادت به حضرت  
 محمد(ص) و همه پیامبران الهی از آدم تا خاتم می پردازد.

افروختی از نور خود آنگاه، چراغی کز پرتو او گشت منور، همه اشیا  
 یعنی که چراغ نبوی شمع رسالت  
 آن نور هدا، جان بقا، روح معلماً  
 در ادامه قصیده، مقام انبیای الهی سلف را می ستاید و به نیکی از آنها یاد می کند.  
 یارب به حق حرمت داود و سلیمان یارب به حق صدق و صفای ذکریا  
 یارب به شفای دم آن معدن صحت یعنی که دم روح قدس، حضرت عیسی  
 آذری در همه اشعار خود، محبت و ارادت خود را به ائمه اطهار و بویژه امیرالمؤمنین علی(ع)  
 اظهار می‌دارد که به عنوان نمونه برخی از آنها را ذکر می‌نمایم.

یارب به حق حرمت اولاد محمد  
 خاصه بر دو فرزند جگر گوشه زهرا  
 سوگند بدانها که تولا به تو دارند  
 از غیرت تو کرده ز غیر تو تبراً  
 آن صاف دلانی که به توفیق تو نشست  
 بر آینه‌ی خاطرشان، ظلمت دنیا  
 آذری در قصیده‌ی دوم در مدح و ستایش ائمه اطهار چنین می‌سراید:

به هر مقام ازو قطره ای عرق، بچکید  
 بشد دوازده قطره عرق ز نور جدا  
 شدند روح دوازده امام از آن موجود  
 همه معالم علم و معادن تقوا  
 نخست قطره از آن، روح شاه مردان بود  
 علی که هست بر ارباب علم، مولانا

شیفتگی و دلدادگی شیخ آذری به امیر المؤمنین علی(ع) به حدی است که با نگاه نخستین به  
 اشعار ذیل، آشکار می‌گردد. نمونه ای از اشعار شیخ در قصیده چهارم در مدح امیرالمؤمنین  
 علی(ع):

شفای جان محب است و رنج سینه ی خصم  
 علیست بعد نبی در علوم، مولانا  
 پس اقتدای من از جمله اولیا به علیست  
 که اوست بر همه خلق و موالیان، مولا  
 به هر رهی که روی پیشوای راه، علیست  
 به علم و حلم و شجاعت به فضل و زهد و سخا  
 آذری در قصیده هفتم راه شناخت علی(ع) و نتیجه عشق و ورزی به حضرت علی(ع) را بیان می  
 کند.

از حبّ علی هر که نهالی به جهان کشت  
 در روضه‌ی طوبی رسدش مژده‌ی طویا

نوری که مخبان علی را بشناسند آن نور سجود است که پیداست ز سیما  
 آذری در قصیده نهم به طور آشکارا خود را رهروی کوی علی و آل علی(ع) می داند:  
 گر ره به کوی مصطفوی جویی آذری غیر از علی و آل علی نیست رهنمات  
 آذری در قصیده دهم، به بیان مناقب و شایستگی های حضرت علی(ع) می پردازد:  
 مقتدای خلق، بعد از مصطفی پیداست کیست سرور مردان و شاه اولیا پیداست کیست  
 ور به تشریف از کلام الله می آری دلیل حله پوش انما و هل آتی پیداست کیست  
 در حرم همچون خلیل الله، گشته بت شکن آنکه بر دوش نبی، بنهاد پا پیداست کیست  
 قصیده یازدهم از قصاید کوتاه آذری است که در مدح امام علی(ع) می باشد:  
 کدخدای آفرینش در همه عالم یکیست وانکه آمد شاه مردان، در بنی آدم یکیست  
 در شب معراج، با حق در مقام کبریا سر ما اوحی و ادنی را همه محرم یکیست  
 آنکه کرد او جمع با هم هم صلوه و هم زکوه داد در حال رکوع از دست خود خاتم یکیست  
 گر کسی گوید علی را آذری مانند، هست مثل آن باشد که گوید بحر با شبنم یکیست  
 از جمله اشعار آذری، ترکیب بند ذیل در مرثیه سید الشهداء حضرت امام حسین(ع) می باشد.  
 شاعر مرثیه را در ۹ بند سروده است که شاید اشاره به قرنی بوده که در آن زندگی می کرده است.  
 بی شک محتشم کاشانی را می توان سرآمد مرثیه سرایان در روزگار خود دانست، هم او بود که  
 با سرودن ترکیب بند مشهور خود در رثای سالار شهیدان حضرت اباعبدالله(ع)، نام خویش را  
 جاودانه ساخت. با دقت و نگرش موشکافانه در ترکیب بند محتشم (متوفی ۹۹۶هـ-ق) مشخص  
 خواهد شد که وی علاوه بر اینکه وزن و قالب و تا حدی قوافی را از شیخ آذری گرفته است،  
 در حوزه معنا نیز از ترکیب بند شیخ بی بهره نمانده است (شجاعی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۸).

#### (مقتل نامه حسین)

۱	ای دل، حیات ماه محرم حرام شد	آری حساب عمر، درین مه تمام شد
	باز از فراق آل نبی آب چشم ما	چون خاک کربلا ز بلا تیره فام شد
	ما خود مدام غرقه‌ی توفان محتیم	خاصه کنون که نوبت توفان عام شد
	بخت یزید نعره‌ی هل من مزید زد	در نکبت و یزید بدین نکته نام شد
۵	بد بخت را وسیله‌ی بی دولتی بس است	چون روز کوفیان که به صد حیلہ شام شد

آن بی‌بصر نگر که متاعی چه بد خرید

عیش ابد فروخت عذاب ابد خرید

آری بلا علامت اهل قبول شد  
گویا بلا فراخور هر ناقبول نیست  
هرگز به منزلی نرسد گمراهی که او  
هر گمراهی که بر پی خصم علی برفت  
۱۰ هر کوز اهل بیت نبی عبرتی گرفت  
وین حکم، مهر یرلغ آل رسول شد  
ذریست کان عطیه‌ی صاحب قبول شد  
دنبال هر زیاده سر بوالفضول شد  
در وادی هلاک به دنبال غول شد  
از کار و بار دهر به کلی ملول شد

زشتی به هر که روی نهد از جمال اوست

آری بلای مرد به قدر کمال اوست

روزی که چتر روح، به صحرای تن زدند  
بی قیمتی و بد گه‌ری کرده اند فاش  
هرگز بر معیشت شیرین کجا خورند؟  
هر دم به آسمان برسد دود یاس من  
۱۵ بیخ حیات خویش زدند آن که از حسد  
کوس بلا به نام حسین و حسن زدند  
آنها که سنگ بر گهر بوالحسن زدند  
آنها که تیشه بر جگر کوه کن زدند  
زان آتش فراق که در یاسمن زدند  
سروی چنان بلند به ظلم از چمن زدند

چون روز حشر خلق جهان سر برآورند

آل رسول، شور به محشر درآورند

این حکم اگر نه بر نهج شرع ما رود  
ور خلق را خدای، بگیرد به اولیا  
۲۰ زین قصه دوستان نبی را خجالت است  
سوراخ می شود دل ما چون گل حسین  
چون بر زمین ز مقتل او داستان کنند  
آدم و آل در سر این ماجرا رود  
بیم است کین معامله با انبیا رود  
با دشمنان آل نبی تا چها رود  
هر جا که ذکر واقعه کربلا رود  
بر آسمان نماز ملایک هبا رود

ای دل بسوز در غم و دود از جهان برآر  
وی آب دیده از غم لب تشنگان بیار

۲۵ ای آب روی هر دو جهان خاک پای تو  
تا بر لب مبارک تو بسته گشت آب  
وی گشته آب، خاک نشین در عزای تو  
هر دم فرو رود به زمین از حیای تو  
تا تشنه لب به خاک شدی آب زندگی  
ماتم گرفت در ظلمات از برای تو  
آواره آن چنان شده ابر سیه گلیم  
در بر و بحر گریه کنان از برای تو  
با خون بهای تو چه کند خصم بی گهر؟  
ای گشته خون بهای تو هم خون بهای تو

۳۰ چون گلبن بلای حسین از فلک شکفت  
رو جانب فلک به مناجات کرد و گفت

یارب حسین تا نمک جان چشیده است  
یارب تو آگهی که چه ها بر سر حسین  
جز تلخی از حلاوت دوران ندیده است  
از دست روزگار مخالف رسیده است  
هجران مادر و پدر و فرقت رسول  
صبر عیال و زهر برادر چشیده است  
یارب طناب عمر حسین ار بریده شد  
او هم طمع ز جان و جوانی بریده است  
بس نیست بی کسی و یتیمی که روزگار  
چندین هزار تیغ، به خونم کشیده است

وانگاه روی سوی مدینه سلام کرد  
و از آب دیده سوی پیمبر پیام کرد

۴۰ یا مصطفی حسین تو در دام ابتلاست  
یا مصطفی حسین نه از اهل بیت توست  
یا مرتضی رواست که فرزند تو حسین  
در کربلا فتاده به صد محنت و بلاست  
یا فاطمه حسین تورا روز آخر است  
آخریا ببین که جگر گوشه ات کجاست؟  
یا ثمره الفواد دل بوالحسن، حسن  
جان برادرت شده در معرض بلاست

گر ما به رغم بخت بدی در زمان تو  
کردی همه فدای تو جانها به جان تو

آن دم چرا زمین و زمان سرنگون نشد  
درخون‌چوگشت غرق، جگرگوشه‌ی رسول  
۴۵ جان مبارک از تن او شد برون چرا  
او روشنی، چشم جهانی بد و چه سود  
خاک سیاه بر سرِ گردون دون نشد  
روی زمین چرا همه دریای خون نشد؟  
جان عدوی او ز دو عالم برون نشد؟  
کان روشنی نصیب سیاه اندرون نشد  
آن دم که آب بر لب او بسته شد چرا  
همچون فرات دیده‌ی خور نیلگون نشد؟

آه از دمی که زد به جفا شمر خاکسار  
بر بوسه جای سید ما تیغ آب دار

ای آرزوی دیده‌ی خونبار یا حسین  
در عاصیان به چشم شفاعت نگاه کن  
۵۰ تو افتخار فخر نسا نیستی و بس  
ما تشنگان، هالک آب شفاعتیم  
نام تو مرهم دل افکار یا حسین  
ای نور چشم احمد مختار یا حسین  
ای افتخار حیدر کرار یا حسین  
در کربلای نفس گرفتار یا حسین  
وقت است اگر کنی نظری از کمال لطف  
در کار آذری گنه کار یا حسین

گر شد حسین، دولت آتش مخلد است  
عالم همه مسخر آل محمد است

بخش پنجم :

نتیجه گیری و پیشنهاد

نگارنده پس از بررسی احوال شیخ آذری و تأمل در دیوان شیخ آذری، درخصوص مذهب شیخ آذری به نکات ذیل دست یافته است.

۱- با توجه به ساختار خانوادگی شیخ آذری یقیناً ایشان دارای مذهب شیعه اثنی عشری بوده است. زیرا اولاً: مادر وی از سلسله سادات علوی می باشد. ثانیاً: پدر وی در حکومت سربداران که همگی شیعه بوده اند، حاکم بوده است. (رجوع شود به بخش اول)

۲- در بخش دوم مقاله مطرح شد که یکی از اصول اعتقادی شیعه، اعتقاد به امامت بلافصل امیرالمؤمنین علی(ع) می باشد. در دیوان شیخ آذری به ویژه در قصاید او، دلدادگی و شیفتگی به ساحت امیرالمؤمنین علی(ع) وجود دارد.

۳- از جمله اصول اعتقادی شیعه، اعتقاد به ظهور حضرت مهدی(عج) است. شیخ آذری در قصاید خود به نحو زیبایی مسئله انتظار را مطرح نموده است. (رجوع شود به بخش سوم) بنابر دلایل فوق الذکر و دلایل دیگری که نگارنده این سطور در تحقیقش ارایه نموده است، می توان نتیجه گیری کرد که شیخ آذری دارای مذهب شیعه اثنی عشری بوده است.

پیشنهاد: امید است برگزاری همایش بین المللی شیخ آذری، مقدمه ای باشد که بتوانیم آرامگاه درخور جایگاه او بنا کرده و موقوفات آذری را بازپس گرفته تا هم چون، سنت گذشته، عموم اسفراینی ها شب های چهارشنبه ایام تابستان، به زیارت شیخ آمده و برای انجام و حصول مقاصد خود به آن خاک پاک توسل جویند.

#### منابع و مأخذ

- ۱- آذری، حمزه بن علی، جواهرالاسرار، تصحیح احمد شاهد، نشر سنبله، ۱۳۸۷، مشهد.
- ۲- آذری، حمزه بن علی، دیوان شیخ آذری، تصحیح احمد شاهد، انتشارات آستون، ۱۳۸۹، اسفراین.
- ۳- آقا ملایی، ایرج، تاریخ مشاهیر خراسان شمالی، نشر مرندیز، ۱۳۸۹، مشهد.
- ۴- دولت شاه سمرقندی، تذکره الشعرا، پدیده خاور، ۱۳۶۶، تهران.
- ۵- شاهد، احمد، تاریخ آستون اشکانی، نشر آستون، ۱۳۸۷، مشهد.
- ۶- شجاعی، عباس، پژوهشی درباره بزرگان تصوف اسفراین، پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۸۰، سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۷- مشکور، محمدجواد، فرهنگ فرق اسلامی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۵، مشهد.
- ۸- مشکور، محمد جواد، تاریخ شیعه و فرقه های اسلام تا قرن چهارم، چاپخانه هروی، ۱۳۶۸، تهران.
- ۹- یوسف نژاد، یوسف علی، تصحیح دیوان شیخ آذری، پایان نامه دکتری، ۱۳۸۹، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی.